

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جزء سی ام

سوره مبارکه نبأ

سوره مبارکه نبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۱﴾

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟!

عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾

از خبر بزرگ و پراهمیت (رستاخیز)!

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٢﴾

که پیوسته در آن اختلاف دارند.

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

چنین نیست (که آنها فکر می کنند)،
بزودی خواهند دانست.

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾

باز هم چنین نیست (که آنها می‌پندارند)، بزودی می‌دانند (که قیامت حق است)!

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿٦﴾

آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟!

وَالْجِبَالِ أَوْتَاداً ﴿٧﴾

و کوهها را میخهایی (برای زمین)؟!!

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿٨﴾

و شما را بصورت زوجها آفریدیم!

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾

و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم،

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾

و شب را پوششی (برای شما)،

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾

و روز را وسیله ای برای زندگی و معاش.

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَاداً ﴿١٢﴾

و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم.

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿١٣﴾

و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم!

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾

و از ابرهای باران زاآبی فراوان نازل کردیم.

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾

تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم،

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾

و باغهایی پردرخت.

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾

(آری) روز جدایی (حق از باطل)، میعاد همگان است!

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آیید.

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾

و آسمان گشوده می شود و بصورت درهای متعددی در می آید.

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾

و کوهها به حرکت درمی آید (و متلاشی می شود) و بصورت سرابی خواهد شد.

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً ﴿٢١﴾

به یقین (در آن روز) جهنم
کمینگاهی است بزرگ،

لِلطَّٰغِيْنَ مَآبًا ﴿۲۲﴾

و محل بازگشتی برای طغیانگران.

لَا يَثِينَنَّ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾

مدتهای طولانی در آن می مانند.

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾

در آن جا نه چیز خنکی می چشند و نه نوشیدنی گوارایی،

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾

جزآبی سوزان و مایعی از چرک و خون.

جَزَاءٌ وِفَاقًا ﴿٢٦﴾

این مجازاتی است موافق
و مناسب (اعمالشان).

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَاباً ﴿٢٧﴾

چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند،

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾

و آیات ما را به طور کامل تکذیب کردند.

وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾

و ما همه چیز را در کتابی شمارش
و ثبت کرده ایم.

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

پس (به آنان گفته می شود:) بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی افزاییم!

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾

به یقین برای پرهیزگاران نجات
و رستگاری بزرگی است:

حَدَائِقَ وَأَعْنَاباً ﴿۳۲﴾

باغهایی سرسبز، و انواع انگورها،

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿۳۳﴾

و حوریانی بسیار جوان و همسن و سال،

وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾

و جامهائی لبریزو پیایی (از شراب طهور).

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿٣٥﴾

در آن جا نه سخن لغو و بیهوده ای
می شنوند و نه دروغی.

جَزَاءً مِّنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً ﴿٣٦﴾

این پاداشی است از سوی پروردگارت و عطیه ای است مطابق (اعمالشان).

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا
يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَاباً ﴿٣٧﴾

همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، همان پروردگار رحمان؛ و
(در آن روز) هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند).

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا
 مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾

روزی که «روح» و «ملائکه» به صف می ایستند و هیچ یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی گویند، و (آنگاه که می گویند) درست می گویند.

ذَلِكَ الْيَوْمِ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اخذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءً

(۳۹)

آن روز حق است؛ هر کس بخواهد (اکنون) راه بازگشتی به سوی پروردگارش
برمی‌گزیند.

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ
 يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم؛ در روزی که انسان آنچه را از قبل با دستهای
 خود فرستاده می بیند، و کافر می گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب
 نمی شدم)!»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه نازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ﴿١﴾

سوگند به فرشتگانی که (روح مجرمان را از بدن هایشان) به شدت برمی‌کشند،

وَالنَّاسِطَاتِ نَسْطًا ﴿٢﴾

و فرشتگانی که (روح مؤمنان را)
با مدارا و نشاط می گیرند،

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ﴿۲﴾

و سوگند به فرشتگانی که (در اجرای فرمان الهی) با سرعت حرکت می کنند،

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴿٤﴾

و بریکدیگر سبقت می گیرند،

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴿٥﴾

و آنها که امور را تدبیر می کنند!

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾

آن روز که آن زلزله وحشتناک
(همه چیز را) به لرزه در می آورد،

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿٧﴾

و از پی آن، حادثه دومین [= صیحه عظیم محشر] رخ می دهد،

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾

دل‌هایی در آن روز سخت مضطرب است،

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿٩﴾

و چشمهای آنان (از شدت ترس)
فرو افتاده است.

يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾

می گویند: «آیا ما به زندگی
مجدد باز می گردیم؟!»

أِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ﴿١١﴾

آیا هنگامی که استخوانهای پوسیده ای شدیم (ممکن است زنده شویم)؟!»

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾

می‌گویند: «اگر اینگونه، بازگشتی است زیانبار!»

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٢﴾

ولی (بدانید) این بازگشت تنها
با یک صیحه عظیم است!

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾

ناگهان همگی بر عرصه زمین ظاهر می گردند!

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿١٥﴾

آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟!

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾

در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدس «طوی» ندا داد (و گفت):

اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿١٧﴾

به سوی فرعون برو که طغیان کرده است.

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾

و به او بگو: «آیا می خواهی پاکیزه شوی؟!»

وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾

و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا
(از نافرمانی او) بترسی؟!»

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾

سپس موسی بزرگترین معجزه را به او نشان داد.

فَكذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾

اما او تكذيب و عصيان كرد.

ثُمَّ ادْبَرِ يَسْعَى ﴿٢٢﴾

سپس روی گردان شد
و (برای محو آیین حق) تلاش نمود!

فَحْشَرَفَنَادِي ﴿۲۳﴾

و (ساحران را) جمع کرد و
(مردم را) دعوت نمود.

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ﴿٢٤﴾

و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم.»

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الآخِرَةِ وَالْأُولَى ﴿٢٥﴾

از این رو خداوند او را به عذاب
آخرت و دنیا گرفتار ساخت.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى ﴿٢٦﴾

به یقین در این عبرتی است برای کسی که
(از نافرمانی خدا) بترسد.

أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾

آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟!

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا ﴿٢٨﴾

سقف آن را برافراشت و آن را نظام بخشید،

وَأَغْطِشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾

و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود.

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾

و زمین را بعد از آن گسترش داد،

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾

و از آن آب و گیاهش را بیرون آورد،

وَالْجِبَالِ أَرْسَاهَا ﴿٣٢﴾

و کوهها را استوار ساخت.

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿۲۳﴾

همه اینها برای بهره گیری شما
و چهارپایان است.

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى ﴿٣٤﴾

هنگامی که آن حادثه وحشتناک بزرگ رخ دهد،

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿٢٥﴾

در آن روز انسان به یاد کوششهایش می افتد،

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى ﴿٢٦﴾

و دوزخ برای هر بیننده ای آشکار می گردد.

فَأَمَّا مَنْ ظَفِيَ ﴿٣٧﴾

اما آن کسی که طغیان کرده،

وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾

و زندگی دنیا را (بر آخرت) مقدم داشته،

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾

به یقین دوزخ جایگاه اوست.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ
وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد
و نفس را از هوا باز دارد،

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٤١﴾

به یقین بهشت جایگاه اوست.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ﴿٤٢﴾

و از تو درباره قیامت می پرسند که در
چه زمانی واقع می شود؟

فَيَمْرَأُنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ﴿٤٣﴾

تورا با یادآوری زمان آن چه کار؟!

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ﴿٤٤﴾

نهایت آن به سوی پروردگارتواست.
(و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست).

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا ﴿٤٥﴾

تو فقط بیم دهنده کسانی هستی که از آن می ترسند (و آمادگی پذیرش دارند).

كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا
عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

در آن روز که قیامت را می بینند احساس می کنند که گویا توقفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبحگاهی بیشتر نبوده است.

سوره مبارکه عبس

سوره مبارکه عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّى ﴿١﴾

چهره درهم کشید و روی برتافت،

أَنَّ جَاءَهُ الْأَعْمَى ﴿٢﴾

از این که نابینایی به سراغ او آمد.

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي (۳)

تو چه می دانی شاید او تقوا پیشه کند،

أُوذِيكَرُفَتَنَفَعَهُ الذِّكْرِي ﴿٤﴾

یا متذکر گردد و این تذکره
حال او مفید باشد.

أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى ﴿٥﴾

اما آن کس که خود را توانگر می بیند،

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ﴿٦﴾

توبه اوروی می آوری،

وَمَا عَلَيْكَ الْأَلْبَابُ ﴿٧﴾

در حالی که اگر او تقوا پیشه نکند
چیزی بر تو نیست.

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ﴿٨﴾

اما کسی که به سراغ تو می آید
و کوشش می کند،

وَهُوَ يَجْتَبِي ﴿٩﴾

و (از خدا) ترسان است،

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ﴿۱۰﴾

تو از او غافل می شوی!

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾

هرگز چنین نیست (که آنها می‌پندارند)؛ این (قرآن برای همه) تذکرو یادآوری است،

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿١٢﴾

و هر کس بخواهد از آن پند می گیرد.

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾

در الواح پرارزشی

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾

والا قدر و پاکیزه،

بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾

به دست سفیرانی

کِرَامِ بَرَّةٍ ﴿۱۶﴾

والا مقام (و فرمانبردار) و نیکوکار!

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾

مرگ برای انسان، چقدر ناسپاس است!

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾

مگر (خداوند) او را از چه چیز آفریده است؟!

مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿١٩﴾

او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس
اندازه گیری کرد و موزون ساخت،

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ ﴿٢٠﴾

سپس راه (سعادت) را برای او آسان کرد

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢١﴾

بعد او را میراند و در قبر نهاد،

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ﴿٢٢﴾

پس هرگاه بخواهد او را زنده می کند.

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ﴿٢٣﴾

هرگز چنین نیست (که او می‌پندارد)؛ او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٤﴾

انسان باید به غذای خویش
(و آفرینش آن) بنگرد!

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾

ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم،

ثُمَّ سَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾

سپس زمین را از هم شکافتیم،

فَأَنْبِئْنَا فِيهَا جَبَّارًا ﴿٢٧﴾

و در آن دانه های فراوانی رویانندیم،

وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾

و انگور و سبزی بسیار،

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾

و زیتون و نخل فراوان،

وَ حَدَائِقِ غُلَبًا ﴿۳۰﴾

و باغ های پردرخت،

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾

و میوه و چراگاه

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٢﴾

تا وسیله ای برای بهره گیری شما
و چهارپایانان باشد.

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ ﴿۲۳﴾

هنگامی که صیحه رستاخیز بیاید،

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٢٤﴾

در آن روز انسان از برادر خود می‌گریزد،

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾

و از مادر و پدرش،

وَصَاحِبَيْهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾

و همسر و فرزندانش؛

لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٢٧﴾

آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٢٨﴾

چهره هایی در آن روز گشاده و نورانی است

ضاحِگَهٗ مُسْتَبِیْرَهٗ ﴿۳۹﴾

خندان و مسرور است؛

وَأُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾

و صورتهایی در آن روز غبارآلود است،

تَرَهَّقْهَا قَتْرَةٌ ﴿٤١﴾

و دود تاریکی آنها را پوشانده است،

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ ﴿٤٢﴾

آنان همان کافران و فاجرانند.

سوره مبارکه التکویر

سوره مبارکه التکویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾

در آن هنگام که خورشید درهم پیچیده شود،

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾

و ستارگان بی فروغ شوند،

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٢﴾

و کوهها به حرکت درآیند،

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾

و با ارزش ترین اموال به دست
فراموشی سپرده شود،

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾

و در آن هنگام که وحوش جمع شوند،

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾

و دریاها برافروخته شوند،

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾

و هر کس با همسان خود قرین گردد،

وَإِذَا الْمَوْءُدَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾

و آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود:

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾

به کدامین گناه کشته شدند؟!

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿۱۰﴾

و آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود،

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿۱۱﴾

و پرده از روی (اسرار) آسمان برگیرند،

وَإِذَا الْجُبْحِيمُ ^وسُعِرَتْ ﴿١٢﴾

و در آن هنگام که دوزخ شعله ور گردد،

وَإِذَا الْجُبَّةُ أُرْلِفَتْ ﴿١٣﴾

و بهشت نزدیک شود،

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أُحْضَرَتْ ﴿۱۴﴾

(آری در آن هنگام) هر کس می داند چه
چیزی را مهیا ساخته است.

فَلَا أُقْسِمُ بِالْجُنَّسِ ﴿١٥﴾

سوگند به ستارگانی که باز می گردند،

الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ﴿١٦﴾

حرکت می کنند و (از دیده ها)
پنهان می شوند،

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ﴿١٧﴾

و سوگند به شب، هنگامی که پشت کند
و به آخر رسد،

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾

و به صبح، هنگامی که بدمد،

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾

که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است
[= جبرئیل امین]

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾

که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والایی دارد!

مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ ﴿۲۱﴾

در آنجا فرمانروا و امین است!

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾

و همنشین شما [=پیامبر] دیوانه نیست.

وَلَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾

به یقین او (جبرئیل) را در افق
روشن دیده است.

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾

و او نسبت به آنچه از طریق وحی
دریافت داشته بخل ندارد.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾

این (قرآن) گفته شیطان رانده شده
(از درگاه خدا) نیست!

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾

پس به کجا می روید؟!

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾

این (قرآن) چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست،

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾

برای کسی از شما که بخواهد
راه مستقیم در پیش گیرد!

وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

و شما اراده نمی کنید مگر این که خداوندی که پروردگار جهانیان است، اراده کند!

سوره انفطار

سوره مبارکه انفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾

آن زمان که آسمان [کرات آسمانی] از هم شکافته شود،

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ﴿٢﴾

و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند،

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾

و آن زمان که دریاها به هم پیوسته شود،

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعِثَتْ ﴿٤﴾

و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان خارج شوند)،

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾

(در آن زمان) هر کس می داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ



ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟!!

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿۷﴾

همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت،

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾

و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود.

كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ ﴿٩﴾

(آری) آن گونه که شما می‌پندارید نیست؛ بلکه شما روز جزا را منکرید!

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾

و بی شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده...

کِرَاماً کَاتِبِينَ ﴿۱۱﴾

والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)،

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾

که می دانند شما چه می کنید!

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾

به یقین نیکان در نعمتی فراوانند.

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾

و بدکاران در دوزخند،

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾

روز جزا وارد آن می شوند و می سوزند،

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾

و آنان هرگز از آن غایب و دور نیستند!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٧﴾

توجه می دانی روز جزا چیست؟!

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٨﴾

باز چه می دانی روز جزا چیست؟!

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ

لِلَّهِ ﴿١٩﴾

روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست!

سوره مبارکه

سوره مبارکه مطففین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾

وای برکم فروشان!

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾

آنان که وقتی برای خود چیزی از مردم با پیمانہ می‌گیرند، (حق خود را) بطور کامل دریافت می‌دارند؛

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾

ولی هنگامی که برای دیگران پیمانه یا وزن می کنند، کم می گذارند.

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾

آیا آنها گمان نمی کنند که
برانگیخته می شوند،

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾

در روزی بزرگ!؟

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

روزی که مردم در پیشگاه پروردگار
جهانیان می ایستند.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾

هرگز چنین نیست (که آنها درباره قیامت می پندارند)، به یقین نامه اعمال بدکاران در «سجین» است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينُ ﴿٨﴾

توجه می دانی «سجین» چیست؟!

کِتَابُ مَرْقُومٍ ﴿۹﴾

نامه ای است رقم زده شده
(و حکمی است حتمی).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾

همان کسانی که روز جزا را انکار می کنند.

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾

و تنها کسی آن را انکار می کند که
متجاوز و گنهگار است.

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

(همان کسانی که) وقتی آیات ما بر آنها خوانده می شود می گویند: «این افسانه های پیشینیان است.»

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمُ
مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾

چنین نیست (که آنها می پندارند)، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان
نشسته است.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾

چنین نیست (که می پندارند)، بلکه آنها در آن روز از (لقای) پروردگارشان محجوبند.

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾

سپس آنها به یقین وارد دوزخ می شوند.

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

﴿ ۱۷ ﴾

بعد به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که آن را انکار می کردید!»

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَيْنَ ﴿١٨﴾

چنان نیست (که آنها درباره معاد می پندارند) بلکه نامه اعمال نیکان در «علیین» است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾

و توجه می دانی «علیین» چیست؟!

كِتَابُ مَرْقُومٍ ﴿٢٠﴾

نامه ای است رقم خورده
(و حکمی است قطعی)،

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾

که مقربان شاهد آند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾

مسلمانان نیکان در بهشت پر نعمتند:

عَلَى الْأَرْيَافِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾

برتختهای زیبای بهشتی تکیه کرده
و (به زیباییهای بهشت) می نگرند.

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾

طراوت و نشاط فزونی نعمت را در چهره هایشان می بینی و.

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾

آنها از شراب طهور دست نخورده
و مهر شده ای سیراب می شوند.

خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ
فَلْيَتَنَافِسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾

مُهری که بر آن نهاده شده از مشک است؛ و مشتاقان باید برای این (نعمتهای
بهشتی)
بریکدیگر پیشی گیرند.

وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾

این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است،

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾

همان چشمه ای که مقربان
از آن می نوشند.

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ
آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

(آری) بدکاران (در دنیا) پیوسته
به مؤمنان می خندیدند،

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾

و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان
را با اشاره تمسخر می کردند،

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾

و چون به سوی خانواده خود باز می‌گشتند مسرور و خندان بودند،

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾

و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند:
«به یقین اینها گمراهانند.»

وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿٣٣﴾

در حالی که آنها مأموریت مراقبت
مؤمنان را نداشتند.

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا

مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٢٤﴾

ولی امروز مؤمنان به کافران می خندند،

عَلَى الْأَرْئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾

در حالی که بر تختهای بهشتی نشسته
و (به سرنوشت شوم آنها) می نگرند!

هَلْ تُؤْتُونَ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

آیا (با این حال) کافران پاداشی
براعمال خود گرفته اند؟!

سوره مبارکه انشقاق

سوره مبارکه انشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾

آن هنگام که (کرات) آسمان شکافته شود،

وَأُذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾

و تسلیم فرمان پروردگارش شود .
و سزاوار است که چنین باشد .

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٢﴾

و آنگاه که زمین گسترده شود،

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾

و آنچه در درون دارد بیرون افکند و خالی شود،

وَأَذِنْتُ لِرَبِّيَّهَا وَحُفَّتْ ﴿٥﴾

و تسلیم فرمان پروردگارش گردد .
و شایسته است که چنین باشد .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ
رَبِّكَ كَدًّا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾

ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد.

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾

اما کسی که نامه اعمالش به دست
راستش داده شود،

فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَاباً يَسِيراً ﴿٨﴾

بزودی به آسانی به حساب
او رسیدگی می شود،

وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾

و خوشحال به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد.

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾

و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود،

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿۱۱﴾

بزودی فریاد می‌زند وای بر من که هلاک شدم!

وَيَصْلَى سَعِيرًا ﴿١٢﴾

و در شعله های سوزان آتش می سوزد.

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾

چرا که او در میان خانواده اش پیوسته
(از کفرو گناه خود) مسرور بود.

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَجُورَ ﴿١٤﴾

او گمان می کرد هرگز (به زندگی جهان دیگر)
باز نخواهد گشت.

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾

آری، پروردگارش نسبت به او بینا بود
(و اعمالش را برای حساب ثبت کرد)!

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾

سوگند به شفق،

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾

و سوگند به شب و آنچه گرد می آورد،

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾

و سوگند به ماه آنگاه که بدر کامل می شود،

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید).

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

پس چرا آنان ایمان نمی آورند؟!

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾

و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود سجده نمی کنند؟!

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ﴿٢٢﴾

بلکه کافران پیوسته (آیات الهی را)
انکار می کنند.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾

و خداوند آنچه را (در دل) پنهان می دارند بخوبی می داند.

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾

پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده!

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، که برای آنان پاداشی است
دائمی!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه بروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾

سوگند به آسمان که دارای برجهای
[= صورت های فلکی] بسیار است،

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾

و سوگند به آن روز موعود،

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٢﴾

و سوگند به «شاهد» و «مشهود»!
[= پیامبر و اعمال امت]

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾

مرگ بر (شکنجه گرانو) صاحبان حفره های (آتش)،

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ﴿٥﴾

آتشی عظیم وشعله ورا!

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾

هنگامی که در کنار آن نشسته بودند،

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾

و آنچه را با مؤمنان انجام می دادند
(با خونسردی و قساوت) تماشا می کردند!

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ
الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند جز این که به خداوند توانا و شایسته ستایش
ایمان آورده بودند؛

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾

همان کسی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست و خداوند بر همه چیز گواه است.

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ
لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ

کسانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب
دوزخ و عذاب آتش سوزان است!

الْحَرِيقِ ﴿۱۰﴾

و برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، باغهایی بهشتی است که نهرها از پای درختانش جاری است؛ و این رستگاری و پیروزی بزرگ است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾

به یقین مجازات قهرآمیز پروردگارت
بسیار شدید است!

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾

اوست که آفرینش را آغاز می کند
و باز می گرداند،

إِنَّهُ هُوَ بَدِيٌّ وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾

و او آمرزنده و دوستدار (مؤمنان) است،

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾

صاحب تخت قدرت و دارای مجد
و عظمت است،

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾

و آنچه را اراده کند انجام می دهد.

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾

آیا سرگذشت آن لشکرها به تو رسیده است،

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٧﴾

لشکریان فرعون و ثمود؟!!

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾

ولی کافران پیوسته در حال تکذیب حَقُّد،

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾

و خداوند به همه آنها احاطه دارد.

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾

(این آیات، سحر نیست،)
بلکه قرآن با عظمت است،

بَلِّغُوا هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾

که در لوح محفوظ جای دارد.

فِي لَوَجٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

سوره الطارق

سوره مبارکه الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿۱﴾

سوگند به آسمان و کوبنده شب!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾

و تو چه می دانی کوبنده شب چیست؟!

النَّجْمُ الثَّقِيْبُ ﴿٣﴾

همان ستاره درخشان و شکافنده تاریکی هاست!

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

(به این آیات بزرگ الهی سوگند) که هر کس مراقب و محافظی دارد!

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾

انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟!

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾

از آبی جهنده آفریده شده است،

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

آبی که از میان پشت و سینه ها خارج می شود!

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

به یقین او (که انسان را در آغاز اینگونه آفرید) می تواند او را بازگرداند.

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾

در آن روز که اسرار نهان
(انسان) آشکار می شود،

فَمَالَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿۱۰﴾

و برای او هیچ نیرو و یآوری نیست.

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿۱۱﴾

سوگنده آسمان پر باران،

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿۱۲﴾

و سوگند به زمین پرشکاف
(که گیاهان از آن می‌رویند)،

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿۱۲﴾

که این (قرآن) سخنی است که
(حق را از باطل) جدا می‌کند،

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿۱۴﴾

و هرگز شوخی نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾

آنها پیوسته نقشه ای (شیطانی) می کشند،

وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾

و من هم در برابر آنها تدبیر می کنم.

فَمَهْلٍ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الغاشية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾

آیا داستان غاشیه [= روزی که وحشت آن
همه را فرا می‌گیرد] به تو رسیده است!؟

وَجْوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾

چهره هایی در آن روز خاشع ذلت بارند،

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ﴿٣﴾

پیوسته عمل کرده و خسته شده اند
(و نتیجه ای نگرفته اند)،

تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾

آنها در آتش سوزان وارد می گردند؛

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ ﴿٥﴾

از چشمه ای بسیار داغ به آنان می نوشانند؛

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ ﴿٦﴾

غذایی جز از ضریح [= گیاهی نامطبوع] ندارند؛

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾

که نه آنها را فربه می‌کند و نه از گرسنگی می‌رهاند.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ﴿٨﴾

چهره هایی در آن روز شادابند،

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾

و از سعی و تلاش خود خشنودند،

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾

در بهشتی عالی جای دارند،

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةً ﴿١١﴾

که در آن سخن بیهوده ای نمی شنوند.

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾

در آن چشمه ای جاری است،

فيها سرُّ مَرْفُوعَةٌ ﴿١٢﴾

در آن تختهای زیبای بلندی است،

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾

و قدح‌هایی (از شراب طهور) نهاده شده،

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾

و بالشها و پشتیهای که در کنار
هم چیده شده،

وَزَرَايِي مَبِثُوۡثَةٌ ﴿١٦﴾

و فرشهای فاخر گسترده.

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ الإِبْرَةِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾

آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه
آفریده شده است؟!

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾

و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟!

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾

و به کوهها که چگونه در جای خود نصب گردیده؟!

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾

و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟!

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾

پس تذکرده که تو فقط تذکر دهنده ای!

لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾

تو بر آنان سلطه نداری که مجبورشان به ایمان کنی،

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٢﴾

(و تذكّر برای همه سود بخش است) مگر کسی که پشت کند و کافر شود،

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾

که خداوند او را به بزرگترین عذاب، مجازات می کند!

إِنَّا إِلَيْنَا يَأْتُهُمُ ﴿٢٥﴾

به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٤﴾

و به یقین حسابشان (نیز) با ماست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾

به سپیده دم سوگند،

وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾

و به شبهای دهگانه،

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٢﴾

وبه زوج و فرد،

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسَّرَ ﴿٤﴾

و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می کند (که پروردگارت در
کمین ستمکاران است)!

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ﴿٥﴾

آیا در این سوگندها، سوگند مهمی برای
صاحب خردی نیست؟!

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾

آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟!

إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾

و با آن شهر با عظمت «إِزْم»،

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٨﴾

که مانندش در شهرها آفریده نشده بود!

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾

و قوم «تمود» که صخره های عظیم را از (کنار) دره می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند).

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾

و فرعونى كه قدرتمند و شکنجه گر بود،

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿۱۱﴾

همان کسانی که در شهرها طغیان کردند،

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾

و فساد فراوان در آنها به بار آوردند;

فَصَبِّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿۱۳﴾

به همین سبب پرورگارت تازیانه
عذاب را بر آنان نواخت!

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾

به یقین پروردگار تو در کمینگاه
(ستمگران) است.

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ
نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾

اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، گرامی می‌دارد و نعمت می‌بخشد
(مغرور می‌شود و) می‌گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است!»

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ
فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٦﴾

و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را براو تنگ می‌گیرد (مأیوس می‌شود و) می‌گوید: «پروردگرم مرا خوار کرده است!»

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

چنان نیست؛ (که شما می‌پندارید)؛ شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید،

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾

و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید،

وَتَأْكُلُونَ الثُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾

و میراث را (از راه مشروع و نامشروع)
جمع کرده می خورید،

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

و مال و ثروت را بسیار دوست دارید
(و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب می شوید).

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾

چنان نیست (که آنها می پندارند!)، در آن هنگام که زمین سخت درهم کوبیده شود،

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان
صف در صف حاضر شوند،

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ
وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾

و در آن روز جهنم را حاضر می کنند؛ آن روز است که انسان متذکر می شود؛ اما این تذکر
چه سودی برای او دارد؟!

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾

می گوید: «ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم!»

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾

در آن روز هیچ کس مانند او عذاب نمی‌کند،

وَلَا يُؤْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾

و هیچ کس همچون او کسی
را به بند نمی کشد.

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

تو ای نفس مطمئن!

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود
است،

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾

پس در سلک بندگان (خالص) من در آی،

وَادْخُلِيْ جَنَّتِيْ ﴿٣٠﴾

و در بهشتم وارد شو!

سوره مبارکه بلد

سوره مبارکه بلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾

قسم به این شهر مقدس (مکه)،

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾

شهری که تو در آن ساکنی

وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿۳﴾

و سوگند به پدر و فرزندش [= ابراهیم خلیل
و فرزندش اسماعیل ذبیح]،

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

که ما انسان را در رنج آفریدیم
(و زندگی او پراز سختی است).

أَيُّسَبُّ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾

آیا او می‌پندارد هیچ کس نمی‌تواند
بر او دست یابد؟!!

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَأُبَدَأُ ﴿٦﴾

(به دروغ) می گوید: «مال زیادی را
(در کارهای خیر) نابود کرده ام!»

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾

آیا گمان می کند هیچ کس او را ندیده
(که عمل خیری انجام نداده) است؟!

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم،

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾

ویک زبان و دو لب؟!!

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾

و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم.

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿۱۱﴾

ولی او از آن گردنه مهم نگذشت.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿۱۲﴾

و تو چه می دانی آن گردنه چیست؟!

فَاكْرَبْ رَقَبَةً (۱۳)

آزاد کردن برده ای،

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾

یا غذا دادن در روز گرسنگی،

يَتِيماً ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾

یتیمی از خویشاوندان،

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾

یا مستمندی خاک نشین را،

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾

سپس از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی توصیه می کنند.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾

آنها اصحاب یمن و سعادت‌مندانند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَسْأَمَةِ

(۱۹)

و کسانی که آیات ما را انکار
کرده اند افرادی شومند.

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

بر آنها آتشی است فرو بسته
(که راه فراری از آن نیست)!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾

به خورشید و گسترش نور آن
در صبحگاهان سوگند،

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴿٢﴾

و به ماه هنگامی که از پی آن در آید،

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّأَهَا ﴿٣﴾

و به روز هنگامی که خورشید را آشکار سازد،

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾

و به شب آن هنگام که آن را بپوشاند،

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾

و سوگند به آسمان و کسی
که آن را بنا کرده،

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاها ﴿٦﴾

و به زمین و کسی که آن را گسترانیده،

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾

و سوگند به روح آدمی و آن کس که آن را
(آفریده و) موزون ساخته،

فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾

سپس فجور و تقوایش [= شر و خیرش]
را به او الهام کرده است،

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾

که هر کس نفس خود را پاک
و تزکیه کرده، رستگار شده؛

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿۱۰﴾

و آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾

قوم «ثمود» بر اثر طغیانشان،
(پیامبر خود را) تکذیب کردند،

إِذَا نَبَعَتْ أَسْقَاهَا ﴿١٢﴾

آنگاه که شقی ترین آنها به پاخاست؛

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ
اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿۱۳﴾

و پیامبر خدا (صالح) به آنان گفت: «ناقه
(و معجزه) خداوند را با آبشخورش واگذارید
(و مزاحم آن نشوید).»

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمُ
 بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾

ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند); از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهشان درهم کوبید و با خاک یکسان کرد.

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

و او هرگز از فرجام مجازات ستمگران ،
باک ندارد.

سوره مبارکه

سوره مبارکه الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿١﴾

سوگند به شب در آن هنگام که
(جهان را) پوشاند،

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَیُّ (۲)

و سوگند به روز هنگامی که جلوه گر شود،

وَمَا خَلَقَ الذُّكْرَ وَالْأُنثَى ﴿٢﴾

و سوگند به آن کس که جنس
مذکر و مونث را آفرید،

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾

که سعی و تلاش شما گوناگون است:

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾

اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند
و پرهیزگاری پیش گیرد،

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾

و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند،

فَسَنِّيْرُهُ لِّلْيُسْرِ ﴿٧﴾

ما او را در مسير آسانی قرار مي دهيم.

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾

اما کسی که بخل ورزد و (از این راه)
بی نیازی طلبد،

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾

و پاداش نیک را انکار کند،

فَسَنِّيْرُهُ لِّلْعُسْرَىٰ ﴿۱۰﴾

اورا در مسير دشواری قرار می دهیم؛

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾

و در آن هنگام که (در جهنم) سقوط می کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت.

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾

به یقین هدایت کردن برماست،

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾

و آخرت و دنيا (نيز) تنها از آن ماست،

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾

و من شما را از آتشی که زبانه
می کشد بیم می دهم،

لا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾

جذبدهخت ترين مردم وارد آن نمى شود;

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾

همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد
و رویگردان شد.

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾

و با تقواترين مردم از آن دور داشته خواهد شد،

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾

همان کس که مال خود را (در راه خدا)
می بخشد تا پاک شود.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾

و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را پاداش دهد،

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾

بلکه هدفش تنها جلب رضای
پروردگار والایش می باشد؛

وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

وبزودی (از مواهب فراوان الهی)
راضی می شود!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم،

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾

و بار سنگینت را از (دوش) تو برداشتیم؟!!

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾

همان باری که سخت بر پشت
تو سنگینی می کرد.

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾

و آوازه تو را بلند ساختیم.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾

(آری) به یقین با سختی آسانی است.

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

مسلماً با سختی آسانی است،

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾

پس هنگامی که از مهمی فارغ می شوی
به مهم دیگری پرداز،

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبُ ﴿٨﴾

و به سوی پروردگارت توجّه کن.

سوره التين

سوره مبارکه التين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾

سوگند به انجیر و زیتون
[= یا: سوگند به سرزمین شام و بیت المقدس]

وَطُورِ سَيْنِينَ ﴿٢﴾

و سوگند به «طور سینا»،

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾

و سوگند به این شهر امن (مکه)،

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾

که ما انسان را در بهترین صورت
و نظام آفریدیم،

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾

سپس او را به پایین ترین مرحله بازگردانیم،

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح
انجام داده اند که برای آنها پاداشی
تمام نشدنی است!

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿٧﴾

پس (ای انسان) چه چیز سبب می شود که بعد از این (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟!؟

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

آیا خداوند بهترین حاکمان نیست؟!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه العلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید،

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

و انسان را از خون بسته ای خلق کرد.

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٢﴾

بخوان که پروردگارت (از همه) والاتراست،

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود،

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

و به انسان آنچه را نمی دانست آموخت.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ ﴿٦﴾

چنین نیست (که شما می پندارید)
به یقین انسان طغیان می کند،

أَنْ رَأَى اسْتَغْنَى ﴿٧﴾

از این که خود را بی نیاز ببیند.

إِنِّإِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي ﴿٨﴾

و به یقین بازگشت (همه)
به سوی پروردگار توست.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿٩﴾

به من خبرده کسی که نهی می کند،

عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿۱۰﴾

بنده ای را هنگامی که نماز می خواند
(آیا مستحق عذاب الهی نیست)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ﴿١١﴾

به من خبرده اگر این بنده
بر طریق هدایت باشد،

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى ﴿١٢﴾

یا مردم را به تقوا فرمان دهد
(آیا نهی کردن او سزاوار است)؟!

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٣﴾

به من خبرده اگر (این طغیانگر) حق را انکار کند
و از آن روی گردان شود (آیا مستحق
مجازات الهی نیست)؟!

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي ﴿١٤﴾

آیا او ندانست که خداوند
(همه اعمالش را) می بیند؟!

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾

چنان نیست (که او می پندارد)، اگر دست از کار خود برندارد، ناصیه اش [= موی پیش سرش] را گرفته، (و به سوی عذاب) می کشانیم.

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾

همان ناصیه دروغگوی خطاکار را!

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾

سپس یارانش را صدا زند (تا یاریش کنند).

سَدُّعُ الزَّبَانِيَةِ ﴿١٨﴾

ما هم بزودی مأموران دوزخ را صدا می‌زنیم
(تا او را به دوزخ افکنند)!

كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

چنین نیست (که او می‌پندارد) او را اطاعت مکن، و سجده نما و به قرب (خداوند) درآی!

سوره مبارکه القدر

سوره مبارکه القدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾

به یقین ما آن (قرآن) را در شب
قدر نازل کردیم.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾

و تو چه می دانی شب قدر چیست؟!

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ
رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾

فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر امری
نازل می شوند.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

شبى است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده.

سورة

سوره مبارکه بيّنة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ
الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می گفتند):
دست از آیین خود بر نمی دارند تا دلیل
روشنی برای آنها بیاید،

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾

پیامبری از سوی خدا (بیاید) که کتب پاک (آسمانی) را (بر آنها) بخواند،

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ﴿٣﴾

که در آن نوشته های پرارزشی باشد.
(ولی هنگامی که آمد ایمان نیاوردند).

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾

اهل کتاب (نیز پیش از این در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آن که دلیل روشن
برای آنان آمد.

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ
يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾

و به آنها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند و به توحید بازگردند، و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است دین پایدار.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي
نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند؛ آنها بدترین
خلق (خدا) هستند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُم
خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

(اَما) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین خلق (خدا) هستند.

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای جاویدان بهشتی است که نهرها از پای
درختانش جاری است؛ همیشه در آن می مانند؛ (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم)
آنها از او؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از (مخالفت) پروردگارش بترسد.

سورة الزلزلة

سوره مبارکه الزلزلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾

هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید،

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾

و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد.

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾

و انسان می گوید: «زمین را چه می شود
(که این گونه می لرزد)»؟!

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾

در آن روز زمین تمام خبرهایش
را بازگو می کند؛

بِإِنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾

چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است.

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا
لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾

در آن روز مردم بصورت گروههای پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾

پس هر کس هموزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند.

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

و هر کس هموزن ذره ای کار بد کرده آن را (نیز) می بیند.

سوره مبارکه عادیات

سوره مبارکه عادیات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ﴿١﴾

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می تاختند،

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ﴿٢﴾

و سوگند به افروزندگان جرقه آتش در برخورد سمهایشان (با سنگهای بیابان)،

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحاً ﴿٣﴾

و سوگند به هجوم آوران در سپیده دم،

فَأْتِرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾

که گرد و غبار به هرسو پراکندند،

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾

و (ناگهان) در میان جمع (دشمن)
ظاهر شدند،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾

که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾

و او خود (نيز) براي گواه است؛

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾

و به يقين او علاقه شديد به مال دارد.

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾

آیا نمی‌داند در آن زمان که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می‌شوند،

وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾

و آنچه در درون سینه هاست
آشکار می گردد،

إِنَّ رَبَّهُم بِيَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

در آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً آگاه است!؟

سورة القارعة

سوره مبارکه القارعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾

آن حادثه کوبنده،

مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾

و چه حادثه کوبنده ای!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾

و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیست؟! (آن حادثه همان روز قیامت است!)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْتُوثِ

(۴)

روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود،

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾

و کوهها مانند پشم رنگین حلاجی شده (متلاشی) می گردد!

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾

اما کسی که (در آن روز) ترازوهای
(اعمال) او سنگین است،

فَهْوِي عَيْشَةَ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾

در یک زندگی کاملاً رضایت بخش خواهد بود.

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾

و اما کسی که ترازوهای (اعمال) او سبک است،

فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾

پناهگاهش «هاویه» [= دوزخ] است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿١٠﴾

و تو چه می دانی «هاویه» چیست؟!

نَارُ حَامِيَةٍ ﴿١١﴾

آتشى است سوزان!

سوره مبارکه التكاثر

سوره مبارکه التكاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

الْهَٰكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به
خود مشغول داشته است.

حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾

تا آن جا که به دیدار قبرها رفتید
(و به فزونی قبور مردگانتان افتخار کردید).

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

چنین نیست (که می پندارید) بزودی
خواهید دانست!

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

باز چنان نیست (که شما می پندارید)؛
بزودی خواهید دانست!

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾

هرگز چنان نیست (که شما خیال می کنید)؛ اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید
(افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی کرد)!

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾

به یقین شما جهنم را خواهید دید.

ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾

سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین مشاهده خواهید کرد.

ثُمَّ لِنُسَلِّنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

سپس در آن روز (همه شما) از نعمتها
(ی الهی) بازپرسی خواهید شد.

سوره مبارکه العصر

سوره مبارکه العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

به عصر سوگند،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾

که انسانها همه در زیانند؛

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَ
تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به (ادای) حق
سفارش کرده و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی توصیه نموده‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه همزة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾

وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای!

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾

همان کس که مال فراوانی جمع آوری و آماده ساخته (بی آنکه حلال
و حرام آن را حساب کند)!

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾

او می پندارد اموالش او را جاودانه می سازد.

كَأَلَيْبِذَنِّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾

چنین نیست (که می پندارد)؛ بزودی در «حطمه» [= آتشی خردکننده] پرتاب می شود.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ ﴿٥﴾

و تو چه می دانی «حطمه» چیست؟!

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿٦﴾

آتش برافروخته الهی است،

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾

که از دلها سر می زند.

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ﴿٨﴾

این آتش بر آنها فرو بسته شده،

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

در ستونهای کشیده و طولانی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الفیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ



آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران
[لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟!

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾

آیا نقشه آنها را در ضلالت (و تباهی) قرار نداد؟!!

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾

و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد،

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيلٍ ﴿٤﴾

که با سنگ هایی از گل متحجرانان
را هدف قرار می دادند؛

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾

سرانجام آنها را همچون گاه خورده شده
(و متلاشی) قرار داد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سوره مبارکه قريش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

لَا إِلَهَ إِلَّا قُرَيْشٌ ﴿١﴾

(نابودی فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدس) الفت گیرند
(و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود).

إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾

الفت آنها (به این سرزمین و بازگشت آنها به آنجا) در سفرهای زمستانه و تابستانه.

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٢﴾

پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند،

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

﴿ ۴ ﴾

همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد
و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.

سوره مبارکه الماعون

سوره مبارکه الماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ﴿١﴾

آیا کسی که پیوسته روز جزارا
انکار می کند دیدی؟!

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾

او همان کسی است که یتیم را با
خشونت می راند،

وَلَا يَجُزُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾

و (دیگران را) به اطعام مسکین
تشویق نمی کند.

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾

پس وای بر نمازگزاران،

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾

همان کسانی که در نماز خود سهل
انگاری می کنند.

الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤْنَ ﴿٦﴾

همان کسانی که ریا می کنند،

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

و حتی از (عاریه) دادن وسایل ضروری زندگی (به دیگران) خودداری می کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الكوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْعَمْنَا عَلَى الْكَوْثِرِ ﴿١﴾

به یقین ما به تو کوثر (و خیر و برکت فراوان)
عطا کردیم.

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾

پس برای پروردگارت نماز
بخوان و قربانی کن

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

(و بدان) دشمن تو به یقین
ابترو بریده نسل است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الكافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾

بگو: ای کافران!

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾

آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾

و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید،

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾

و نه من آنچه را شما پرستش
کرده اید می پرستم،

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾

و نه شما آنچه را که من می پرستم
پرستش می کنید؛

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان،
و آیین من برای خودم!

سوره النصر

سوره مبارکه النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾

هنگامی که یاری خدا و پیروزی
(بر مشرکان مکه) فرا رسد،

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي
دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾

و ببینی مردم گروه گروه وارد
دین خدا می شوند،

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ
إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

پروردگارت را تسبیح و حمد گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است.

سوره مبارکه المد

سوره مبارکه المد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾

بریده باد هر دو دست ابولهب
و مرگ براو باد!

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾

هرگز ثروتش و آنچه را به دست آورد به
حالش سودی نبخشید.

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾

و بزودی وارد آتشی شعله
ور و پرلهیب می شود;

وَأَمْرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾

و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش
(دوزخ) است،

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ﴿٥﴾

و در گردنش رشته ای از لیف خرما.

سوره اخلاص

سوره مبارکه اخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾

بگو: «او خداوند، یکتا و یگانه است؛

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

خداوندی بی نیاز است که همه
نیازمندان قصد او می کنند;

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

(هرگز) نژاد، و زاده نشد؛

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

و برای او هیچ گاه شبیه
و مانندی نبوده است.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿۱﴾

بگو: «پناه می برم به
پروردگار سپیده صبح،

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۲﴾

ز شر آنچه آفریده است؛

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾

و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که
شبانه وارد می شود؛

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾

و از شرّ آنها که (با افسون و سحر)
در گره ها می دمند;

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

و از شرّ حسود هنگامی که حسد میورزد.»

سوره مبارکه

سوره مبارکه الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾

بگو: «پناه می برم به پروردگار مردم،

مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾

مالک و حاکم مردم،

إِلَهُ النَّاسِ ﴿٣﴾

معبود مردم،

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾

از شرّ وسوسه گر پنهانکار.

الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾

که در درون سینه مردمان
وسوسه می کند،

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾

خواه از جنّ باشد یا از انسان»

صدق الله العلي العظيم